



شناسایی مشکلات فراروی موفقیت تعاونی‌های توسعه روستایی در شهرستان زنجان

چکیده

امروزه تعاونی‌ها به عنوان ابزاری کارآمد در توانمندسازی و توسعه جوامع روستایی، یکی از ارکان اصلی در نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌روند. اما، عرصه‌های جدید اقتصادی، فرهنگی و روابط اجتماعی موجب شده که تعاونی‌ها در عصر حاضر با شرایط جدیدی روبرو شوند که بدون سازگاری با آنها نمی‌توانند به حیات خود ادامه دهند. از این رو، تحقیق توصیفی-پیمایشی حاضر با هدف شناسایی مشکلات فراروی موفقیت تعاونی‌های توسعه روستایی در شهرستان زنجان انجام گرفت. جامعه آماری این تحقیق را ۳۵۰۰ نفر از اعضای تعاونی‌های توسعه روستایی در شهرستان زنجان تشکیل می‌دادند که با توجه به جدول کرجسی-مورگان، تعداد ۳۱۵ نفر از آنان از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده گردید. روایی محتوایی پرسشنامه با نظر پانلی از متخصصان مورد تایید قرار گرفت. برای تعیین پایایی ابزار تحقیق پیش‌آزمون انجام گرفت که مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده برای مقیاس اصلی پرسشنامه در حد مناسب بود. نتایج حاصل از اولویت‌بندی مشکلات فراروی موفقیت تعاونی‌های مورد مطالعه نشان داد که چهار گویه عدم برخورداری اعضای تعاونی از تجربه و تخصص‌های لازم، پایین بودن سطح تجارب و مهارت حرفه‌ای مدیران و اعضای تعاونی‌ها، پایین بودن سطح خود باوری و اعتماد به نفس اعضای تعاونی‌ها و ساختار بالا به پایین و نبود اختیارات کافی نزد اعضا در انجام وظایف، بیشترین میزان اولویت را کسب نموده‌اند. همچنین، بر اساس یافته‌های پژوهش، دو گویه بالا بودن نرخ بهره و سود باز پرداخت وام‌ها و وجود قوانین نامناسب مالیاتی برای تعاونی‌ها، دارای کمترین میزان اولویت از دیدگاه پاسخگویان بوده‌اند.

واژه‌های کلیدی: تعاونی توسعه روستایی، موفقیت، مشکلات.

مقدمه

بخش تعاون به عنوان یکی از ارکان اصلی در نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، مورد توجه برنامه‌ریزان کشور قرار دارد و به منظور تحقق اهداف اقتصادی، هدایت فعالیت‌ها به سمت بخش تعاون از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از سوی دیگر، در برنامه بلندمدت افق چشم انداز توسعه اقتصادی کشور، به فعالیت‌های اقتصادی در بخش تعاون توجه دوچندانی شده و برنامه‌ریزان برای مقابله با بحران‌های اقتصادی کشور و رفع وابستگی به ویژه در زمینه مواد غذایی، کاهش نرخ بیکاری و افزایش شاخص‌های رفاه اجتماعی نگاه خود را معطوف بخش تعاون نموده‌اند. در این راستا، شناخت مشکلات و تعیین اولویت‌ها در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در سطح فعالیت‌های تعاونی‌ها از اهمیت و ضرورت خاصی برای نیل به اهداف یاد شده برخوردار است (انصاری، ۱۳۸۱). در این ارتباط می‌توان گفت بعد از انقلاب اسلامی استراتژی تعاونی‌ها به عنوان رهیافتی مهم در توسعه روستایی مورد توجه دولت‌مردان و سیاست‌گذاران قرار گرفت و نه تنها به عنوان ابزاری کارآمد در ایجاد اشتغال روستایی قلمداد شد بلکه به عنوان هدف در توانمندسازی و توسعه جوامع روستایی به کار گرفته شد (شعبانعلی فمی و همکاران، ۱۳۸۵). همچنین، مطالعات انجام شده در خصوص بررسی موفقیت تعاونی‌های توسعه روستایی نشان می‌دهد که شرکت‌های تعاونی تولید روستایی تا حدودی از مسیر اصلی خود جدا شده و به مراکز خدمات کشاورزی تبدیل شده‌اند (حیدری ساربان، ۱۳۹۰).

امروزه، تحولات هزاره سوم میلادی در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و روابط اجتماعی موجب شده است که تعاونی‌ها در عصر حاضر با شرایط جدیدی روبرو شوند که بدون سازگاری با آنها نمی‌توانند به حیات خود ادامه دهند. در کشورهای صنعتی، دولت از طریق طراحی چارچوب‌هایی برای توسعه تعاونی‌ها در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، گام‌های موثری برداشته است؛ اما کشورهای در حال توسعه در این راه با موانع بسیاری همچون مشکلات ساختاری، عدم تطبیق انتظارات، عدم شفافیت سیاست‌گذاری‌ها، فقدان شرایط استاندارد محیطی و افزایش غیرطبیعی تعاونی‌ها به لحاظ کمی مواجه‌اند. به تبع مشکلات فراروی تعاونی‌ها در کشورهای در حال توسعه، کشور ما نیز با این



مشکلات مواجهه است (عباسی و همکاران، ۱۳۸۸). با توجه به ماهیت شرکت‌های تعاونی توسعه روستایی و نقش عمده‌ای که این تشکلهای می‌توانند در دستیابی به توسعه پایدار روستایی داشته باشند، تشکیل و راه‌اندازی آنها طی چند سال اخیر در مناطق روستایی استان زنجان نیز مورد توجه قرار گرفته است به نحوی که در حال حاضر ۸۰ تعاونی توسعه روستایی با داشتن ۱۰۵۹۶ عضو، در شهرستان‌های مختلف استان زنجان در حال فعالیت می‌باشند. سرمایه ثبتي این شرکت‌ها ۹۵۱/۲۱ میلیون ریال می‌باشد که پیش‌بینی شده بود پس از تشکیل بتوانند از طریق فراهم ساختن بسترها و زمینه‌های لازم برای توسعه کارآفرینی و اشتغال‌زایی در زمینه‌های مختلف در سطح مناطق روستایی، در حدود ۲۰۱۹ فرصت شغلی را ایجاد نمایند (اداره تعاون، ۱۳۸۸)؛ ولی علیرغم گذشت چند سال از فعالیت این تعاونی‌ها، بنا به دلایل مختلف این موضوع تا حدود زیادی محقق نگردیده و مدیران و اعضای تعاونی‌ها همواره با مسایل و مشکلات متعددی در ابعاد مختلف اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، سازمانی، ساختاری و غیره برای دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده خود مواجه بوده‌اند که سبب شده است تا این تعاونی‌ها به موفقیت چندانی دست نیابند و نتوانند موجبات توسعه و پیشرفت مناطق روستایی را فراهم سازند. بدون تردید، برنامه‌ریزی برای حل چنین مشکلاتی بدون طرح و انجام مطالعاتی دقیق در منطقه مورد مطالعه امکان پذیر نخواهد بود؛ از این‌رو با توجه به اهمیت و ضرورت موضوع، تحقیق حاضر با هدف شناسایی مشکلات فراروی موفقیت تعاونی‌های توسعه روستایی در شهرستان زنجان انجام گرفت.

روش شناسی

تحقیق حاضر از لحاظ میزان و درجه کنترل، غیرآزمایشی و توصیفی، از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، میدانی و در نهایت به لحاظ قابلیت تعمیم یافته‌ها، از نوع پیمایشی محسوب می‌شود. جامعه آماری این تحقیق را ۳۵۰۰ نفر از اعضای تعاونی‌های توسعه روستایی در شهرستان زنجان تشکیل می‌دادند که با توجه به جدول کرجسی- مورگان، تعداد ۳۱۵ نفر از آنان از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب انتخاب شدند.

ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بود که از دو بخش مشخصه‌های فردی و حرفه‌ای پاسخگویان و دیدگاه افراد نسبت به میزان اهمیت هر یک از مشکلات فراروی موفقیت تعاونی‌های توسعه روستایی (شامل ۲۹ پرسش) تشکیل شده بود که برای اندازه‌گیری بخش دوم، از طیف لیکرت ۵ سطحی (یک= خیلی کم تا ۵= خیلی زیاد) استفاده گردید. روایی پرسشنامه با نظر پانل متخصصان و پس از انجام اصلاحات لازم به دست آمد. برای تعیین اعتبار پرسشنامه، پیش از آزمون انجام گرفت که مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده مقیاس مشکلات فراروی موفقیت تعاونی‌های توسعه روستایی ۰/۷۶ بود. داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS پردازش گردید.

یافته‌ها

بر اساس نتایج به دست آمده، میانگین سن پاسخگویان ۴۰/۴۴ سال با انحراف معیار ۴/۹۷ سال بود. از نظر جنس، بیشتر پاسخگویان (۹۱/۶ درصد) مرد و تنها در حدود ۸/۴ درصد زن بودند. به لحاظ سابقه کار کشاورزی، نتایج نشان داد که میانگین این متغیر ۱۷/۹۶ سال با انحراف معیار ۳/۷۸ سال بود. یافته‌های تحقیق حاکی از آن بود که ۳۵/۲ درصد از تعاونی‌های مورد مطالعه برای اعضای خود دوره آموزشی برگزار کرده و ۶۴/۸ درصد آنها دوره برگزار نکرده بودند. میانگین تعداد دوره‌های آموزشی که پاسخگویان در آنها شرکت داشته‌اند، در حدود ۱/۸۵ دوره بود.

نتایج حاصل از اولویت‌بندی گویه‌های مرتبط با مشکلات فراروی تعاونی‌های مورد مطالعه از دیدگاه پاسخگویان در جدول (۱) آورده شده است. بر اساس نتایج بدست آمده، پنج گویه عدم برخورداری اعضای تعاونی از تجربه و تخصص‌های لازم، پایین بودن سطح تجارب و مهارت حرفه‌ای مدیران و اعضای تعاونی‌ها، پایین بودن سطح خود باوری و اعتماد به نفس اعضای تعاونی‌ها، ساختار بالا به پایین و نبود اختیارات کافی نزد اعضا در انجام وظایف و نبود بازار مناسب برای ارائه تولیدات و خدمات، بیشترین میزان اولویت را کسب نموده‌اند. همچنین، پنج گویه عدم سوددهی شرکت، عدم دسترسی به فناوری‌های نوین به ویژه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، کمبود منابع مالی و عدم نقدینگی کافی در تعاونی‌ها، بالا بودن نرخ بهره و سود باز پرداخت وام‌ها و وجود قوانین نامناسب مالیاتی برای تعاونی‌ها، دارای کمترین میزان اولویت از دیدگاه پاسخگویان بوده‌اند.



جدول ۱- اولویت‌بندی مشکلات فراروی موفقیت تعاونی‌های توسعه روستایی از دیدگاه پاسخگویان

اولویت	گویه	میانگین *	انحراف معیار	ضریب تغییرات
۱	عدم برخورداری اعضای تعاونی از تجربه و تخصص های لازم	۳/۲۹	۱/۱۲	۰/۳۴
۲	پایین بودن سطح تجارب و مهارت حرفه ای مدیران و اعضای تعاونی ها	۳/۳۳	۱/۱۸	۰/۳۵۴
۳	پایین بودن سطح خود باوری و اعتماد به نفس اعضای تعاونی ها	۲/۸۸	۱/۰۳	۰/۳۵۷
۴	ساختار بالا به پایین و نبود اختیارات کافی نزد اعضا در انجام وظایف	۲/۷۱	۰/۹۷	۰/۳۵۸
۵	نبود بازار مناسب برای ارائه تولیدات و خدمات	۳/۳۶	۱/۲۴	۰/۳۶
۶	وجود سیستم نظارت و کنترل انعطاف ناپذیر (کنترل شدید) در تعاونی ها	۲/۸۰	۱/۰۷	۰/۳۶۲
۷	مشارکت ندادن اعضا در فرایند برنامه ریزی و مدیریت فعالیت ها	۳/۰۹	۱/۱۴	۰/۳۶۸
۸	پایین بودن سطح مهارت های ارتباطی اعضای تعاونی ها	۲/۷۲	۱/۰۲	۰/۳۷
۹	پایین بودن قدرت نوآوری، خلاقیت و ایده پردازی اعضا و مدیران تعاونی ها	۲/۸۷	۱/۰۶	۰/۳۷۲
۱۰	پایین بودن سطح آگاهی و آشنایی اعضا و هیئت مدیره با فلسفه، اصول و قوانین تعاونی ها	۳/۰۴	۱/۱۵	۰/۳۷۸
۱۱	عدم اعتماد اعضای تعاونی ها به یک دیگر و به مدیران	۲/۹۹	۱/۱۳	۰/۳۷۹۹
۱۲	عدم وجود روحیه مسولیت پذیری در اعضای تعاونی ها	۲/۹۱	۱/۱۱	۰/۳۸۱
۱۳	پایین بودن سطح تحصیلات اعضا و مدیران تعاونی ها	۳/۱۵	۱/۲۱	۰/۳۸۳
۱۴	مشخص نبودن جایگاه حقوقی تعاونی ها	۳/۲۴	۱/۲۵	۰/۳۸۶
۱۵	نبود نظارت مناسب بر نحوه مصرف و هزینه کرد وام‌ها	۳/۵۱	۱/۳۷	۰/۳۸۸
۱۶	نبود امنیت اقتصادی لازم برای گسترش و توسعه فعالیت تعاونی ها	۳/۵۴	۱/۳۹	۰/۳۹۱
۱۷	نبود یک سیستم ارزیابی عملکرد مناسب در تعاونی ها	۲/۵۷	۱	۰/۳۹۲۲۰
۱۸	عدم حمایت کافی بانک ها و دیگر موسسات مالی برای تامین منابع مالی مورد نیاز تعاونی ها	۳/۲۷	۱/۴۶	۰/۳۹۲۲۷
۱۹	پایین بودن ارزش و جایگاه تعاونی ها در بین اعضای جامعه	۳/۱۲	۱/۲۲	۰/۳۹۲۲۸
۲۰	ساختار بروکراتیک و حجم زیاد وظایف روزمره اعضا و مدیران	۲/۷۲	۱/۰۶	۰/۳۹۲۴
۲۱	عدم آشنایی و مهارت اعضای تعاونی ها در استفاده از فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی	۲/۸۴	۱/۱۲	۰/۳۹۴



۲۲	تدوین مقررات دست و پاگیر و غیر اثر بخش برای تعاونی ها	۳/۱۸	۱/۲۶	۰/۳۹۵
۲۳	نبود ثبات دولتی کافی در حمایت از تعاونی ها	۳/۵۲	۱/۴۴	۰/۴۰۱
۲۴	نبود یا ضعف حمایت های ارائه شده از سوی دولت	۳/۶۴	۱/۴۶	۰/۴۰۹
۲۵	عدم سوددهی شرکت	۳/۶۷	۱/۵۱	۰/۴۱۳
۲۶	عدم دسترسی به فناوری های نوین به ویژه فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی	۲/۶۸	۱/۱۰	۰/۴۱۴
۲۷	کمبود منابع مالی و عدم نقدینگی کافی در تعاونی ها	۳/۵۹	۱/۶۴	۰/۴۵
۲۸	بالا بودن نرخ بهره و سود باز پرداخت وام ها	۳/۰۷	۱/۴۱	۰/۴۶
۲۹	وجود قوانین نامناسب مالیاتی برای تعاونی ها	۲/۷۲	۱/۳۱	۰/۴۸

* (مقیاس: خیلی کم=۱ کم=۲ متوسط=۳ زیاد=۴ خیلی زیاد=۵)

بحث و نتیجه گیری

بر اساس نتایج کسب شده می توان نتیجه گرفت که تعاونی های توسعه روستایی در سطح شهرستان زنجان با مسایل و مشکلات متعددی در ابعاد گوناگون مواجه می باشند که در مجموع سبب گردیده است تا میزان کارایی و اثربخشی آنها تا حدود زیادی کاسته شده و آنها نتوانند بر اساس ماهیت و مأموریت اصلی خود، خدمات مناسبی را به گروه های مختلف روستاییان ارائه دهند. در این خصوص همانطور که نتایج نشان می دهد مهمترین مشکل تعاونی ها از دیدگاه پاسخگویان کافی نبودن سطح تجربه و مهارت حرفه ای اعضا و مدیران تعاونی از یک سو و نداشتن تخصص های لازم از سوی آنان برای انجام وظایف محوله از سوی دیگر می باشد. برای نمونه، نتایج تحقیق نشان داد که سطح تحصیلات بیشتر اعضا به ویژه مدیران تعاونی های پایین بودن و یا اینکه آنان از تجربه کاری مناسبی برخوردار نیستند. افزون بر این، نوع ساختار سازمانی تعاونی ها که بیشتر از مشخصه های ساختارهای مکانیکی تبعیت می نماید، سبب شده است تا ارتباطات سازمانی مناسبی بین اعضا با یکدیگر و با مدیران برقرار نشده، اعضا در فرایند برنامه ریزی در تعاونی مشارکت داده نشوند و دارای قدرت ریسک پذیری، خلاقیت و آزادی عمل مناسب برای انجام وظایف خود نباشند. آنچه مسلم است این نوع مدیریت که ماهیت مدیریت غیرمشارکتی و متمرکز دارد، با روح و فلسفه تشکیل تعاونی ها که ابعاد مشارکتی در آنها باید برجسته باشد، در تناقض بوده و همانطور که اشاره شد سبب گردیده است تا کارایی آنها کاهش یابد. علاوه بر موارد اشاره شده که بیشتر جنبه درون سازمانی داشتند، تعاونی ها با یکسری مشکلات برون سازمانی نیز مواجه هستند که بر اساس نتایج تحقیق از مهمترین آنها می توان به نبود بازار مناسب برای ارائه تولیدات و خدمات اشاره داشت که منجر به انگیزه زدایی و دلسردی اعضای تعاونی ها برای فعالیت های تولیدی شده است. بر اساس مطالب اشاره شده جهت بهبود سطح موفقیت تعاونی های توسعه روستایی پیشنهاد های زیر ارائه می گردد:

۱- مدیران باید مشارکت تمامی اعضای تعاونی را در تصمیم گیری از مرحله برنامه ریزی تا اجرا در فعالیت ها خواستار باشند و از آنها حمایت کنند؛

۲- تجدید نظر در ساختار و سلسله مراتب تعاونی ها با رویکرد به حداقل رساندن پیچیدگی، تمرکز، و رسمیت؛

۴- با توجه به تأثیر ویژگی های مدیریت و ویژگی های شخصیتی کارکنان، اعضا و مدیران در توفیق تعاونی ها، انتخاب مدیران شایسته، مجرب، مستعد، آگاه به قوانین و با تحصیلات بالا و سرمایه آورده مکفی و در کنار آن برگزاری کارگاه های آموزشی برای آنان در زمینه موضوعات مختلف (که موجب تقویت اعتماد به نفس افراد، تغییر نگرش کارکنان به ویژه مدیران به سوی مدیریت مشارکتی، افزایش ریسک پذیری کارکنان، آینده نگری و استفاده از فرصت ها توسط افراد شوند) ضروری است.

۴- با توجه به تأثیر خدمات بازاریابی در تقویت فعالیت های شرکت های تعاونی و موفقیت آنها، تشکیل شرکت های تعاونی خدماتی در زمینه فعالیت های بازاریابی و بازاریابی محصولات نظیر انبار، سردخانه و صنایع تبدیلی محصولات و همچنین هدایت تسهیلات حمایتی اداره کل تعاون به فعالیت های مذکور در جهت تقویت سرمایه مورد نیاز آنها پیشنهاد می شود.



فهرست منابع

- انصاری، ح. (۱۳۸۱). پژوهشی در تعاونی‌های روستایی ایران (مطالعه موردی: شرکت تعاونی روستایی شباهنگ شهریار). قم: انتشارات ام ابیها.
- شعبانعلی فمی، ح.، چوپچیان، ش.، رحیم زاده، م.، و رسولی، ف. (۱۳۸۵). شناخت و تحلیل سازه‌های موفقیت شرکت‌های تعاونی زنان در ایران. فصلنامه مطالعات زنان، دوره ۴، شماره ۲، صص ۸۹-۱۰۹.
- حیدری ساربان، و. (۱۳۹۰). بررسی عوامل موثر بر موفقیت تعاونی‌های تولید روستایی (مطالعه موردی: شهرستان پارس‌آباد). فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، شماره ۱۳، صص ۱۶۴-۱۵۱.
- عباسی، ر.، رسول‌زاده، ب.، و عباسی، پ. (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر موفقیت و عدم موفقیت تعاونی‌های تولیدی استان اردبیل. مجله تعاون، دوره ۲۰، شماره ۲۱۱/۲۱۰، صص ۹۰-۷۰.
- اداره تعاون استان زنجان (۱۳۸۸). گزارش عملکرد تشکیل تعاونی‌های توسعه روستایی و تعاونی‌های دهیاری. وزارت تعاون، اداره کل تعاون استان زنجان، معاونت امور تعاونی‌ها.